



تبیین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در سوریه (۲۰۱۰-۲۰۲۲ م)

همت اله شمولی*  استادیار علوم سیاسی، گروه امنیتی، پژوهشکده انتظامی، امنیتی، اجتماعی،

معاونت علوم تحقیقات و فناوری فراجا، تهران، ایران

دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و

بهادر نوکنده 

علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، سمنان، ایران

چکیده

هدف این پژوهش، دستیابی به درک صحیحی از رویکرد رئالیسم تدافعی جمهوری اسلامی ایران در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در سوریه است. (هدف) مسئله اصلی این پژوهش این است که منافع ملی ج.ا.ایران در سوریه در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۲ م چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، این فرضیه ارائه می‌شود که: منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در سوریه، حمایت، حفاظت و تقویت محور مقاومت، و کمک به امنیت و ثبات سوریه است. به علت قرار داشتن سوریه در صف اول مقاومت علیه رژیم صهیونیستی و وجود خط پشتیبانی ایران از حزب الله لبنان در سوریه از حمایت ایران برخوردار است. (مسئله) چارچوب نظری پژوهش بر اساس نظریه رئالیسم تدافعی استفان والت و جک اسنایدر استفاده شده است. روش پژوهش روش تبیینی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته است (روش) یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد. که ج.ا.ایران، خود را رهبر جبهه مقاومت در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌داند. از آنجا که سوریه یکی از حلقه‌های مهم جبهه مقاومت است، تغییر وضع موجود در این کشور یعنی تضعیف محور مذکور و به هم خوردن موازنه قوا به ضرر ج.ا.ایران، این امر مغایر با اهداف و منافع ملی و امنیتی ج.ا.ایران است. منافع ملی ج.ا.ایران در سوریه در چارچوب منافع ایدئولوژیکی، استراتژیکی، و اکونومیکی و ژئوپلیتیکی تعریف می‌شود. ج.ا.ایران سعی دارد با نفوذ بیشتر در منطقه و بهره‌گیری از سیاست اتحاد با سوریه، نخست امنیت ملی خویش و پس از آن، منافع ملی خود را تأمین کند. (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، محور مقاومت، رئالیسم، سوریه، منافع ملی

دریافت: ۱۱-۱۲-۱۴۰۱

* نویسنده مسئول hshamouli@gmail.com

پذیرش: ۰۵-۰۶-۱۴۰۲

صفحات مقاله: ۲۰۵-۱۷۴

۱- مقدمه و بیان مسئله

مسئله اصلی در این پژوهش چرایی تبدیل سوریه برای ایران به یک مسئله مهم و راهبردی می‌باشد. از این رو برای تبیین این مهم موضوع مطروحه را از ابعاد و زوایای مختلف باید مورد کنکاش قرار داده و منافع اصلی ایران در حوزه آسیای جنوب غربی براساس نشانه‌هایی از «ائتلاف و اتحاد» با «جبهه مقاومت» شکل گرفته است. اگرچه جبهه مقاومت فاقد هویت سازمانی است، اما به عنوان بخشی از واقعیت راهبردی ایران و امنیت منطقه‌ای محسوب می‌شود. در این ارتباط، امنیت کشورهای همانند سوریه و گروه‌هایی همانند حزب الله لبنان و ثبات سیاسی در عراق را نیز می‌توان در حوزه منافع حیاتی ایران دانست. هر یک از حوزه‌های یادشده را می‌توان نشانه‌هایی از همبستگی منافع ملی و ضرورت‌های ایدئولوژیک دانست.

اهمیت موضوع: یکی از مهم‌ترین مشکلات جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا فقدان متحد استراتژیک می‌باشد. در این وضعیت کشور سوریه به عنوان تنها متحد استراتژیک نقش مهمی در سیاست‌های امنیتی ایران را ایفا می‌کند. از این رو باید گفت منافع ملی ایران شامل طیف وسیعی از شرایط ایدئولوژیک، ژئوپلیتیکی، و همچنین اکونومیکی و امنیتی می‌باشد که باید مورد تبیین قرار گیرد.

اهداف و پرسش پژوهش

هدف از انجام این پژوهش، دستیابی به درک صحیحی از رویکرد واقعگرایی تدافعی جمهوری اسلامی ایران نسبت به بحران سوریه می‌باشد. همچنین این پژوهش اهداف ذیل را دنبال می‌کند: ۱- جایگاه راهبردی سوریه در معادلات نظامی- امنیتی ایران ۲- بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها ۳- جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی ۴- تحولات سوریه: ریشه‌ها و چشم اندازها جزء اهداف این پژوهش می‌باشد. پرسش مورد بررسی در این پژوهش این است که منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در سوریه چیست؟ در پاسخ به این پرسش، یکی از مهم‌ترین منافع حیاتی ایران، حمایت از کشورهای اسلامی است. این کشورها می‌توانند عمق استراتژیک ایران را افزایش دهند. از سوی دیگر، فعال‌سازی چنین کشورهایی می‌تواند «بازدارندگی نامتقارن» را برای ایران ایجاد کند. از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند در فضای «بازدارندگی متقارن» قرار گیرد و از این طریق با آشکال متنوعی از تهدید روبه‌رو خواهد شد، ضروری است که زمینه‌های لازم برای «بازدارندگی نامتقارن» از طریق حداکثرسازی قابلیت نیروهای اسلامی در کشورهای پیرامون ایجاد شود.

ضرورت پژوهش: از آنجا که منافع ملی ستاره راهنمای کشورهاست که تمام تصمیمات در چهارچوب آن تحلیل می‌شود. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی و رهبر محور مقاومت در سطح منطقه دارای منافع و اهداف گوناگونی است که لزوم اتحاد استراتژیک با بازیگران منطقه‌ای و حتی در سطح نظام بین‌الملل برای تحقق حفظ تمامیت ارضی کشور و بازی کردن به‌عنوان قدرت هژمون در منطقه امری کاملاً ضروری و حیاتی است. از این رو رقابت با جبهه محافظ کار عربی و از سوی دیگر وجود رژیم صهیونیستی هسته‌ای در منطقه انگیزه‌های لازم را به این کشور برای بازیگری جدی در منطقه فراهم آورد و اگر این کار انجام نشود، علاوه بر تضعیف محور مقاومت، کاهش نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران را در پی داشته باشد.

۲- سابقه پژوهش (پیشینه)

کتاب‌ها و آثار پیشین که از نظر محتوا نزدیک به موضوع این نوشتار هستند، به اختصار در قالب جدول ذیل خلاصه آنها آورده شد.

جدول شماره ۱: پیشینه مطالعات صورت گرفته پیرامون پژوهش

نویسندگان	سال پژوهش	عنوان پژوهش	هدف پژوهش	نتایج پژوهش
سلیمی و شریعتی	۱۳۹۳	منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تداوم و یا سقوط	بررسی سقوط و یا بقای حکومت بشار اسد و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران.	حمایت از ثبات و تداوم دولت کنونی سوریه در مقطع کنونی، اقدامی در جهت منافع ملی جمهوری اسلامی و تقویت محور مقاومت در منطقه است.
عباسی و همکاران	۱۳۹۲	تبیین رئالیستی منازعه بین‌المللی قدرت در سوریه و پیامدهای آن برای امنیت	شناخت علل شکل‌گیری منازعه بین‌المللی (در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) در سوریه و تأثیرات آن بر	میان کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سوریه الگوهای رفتاری ناشی از ساختار آنارشیک (ترس، بقامحوری و قدرت‌طلبی) بوده که با ایجاد منافع متعارض و به هم زدن موازنه قوا سبب‌ساز منازعه می‌گردد.

	امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.	جمهوری اسلامی ایران.		
مرادی	۱۳۹۸	بررسی علل حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در سوریه.	شناخت حضور مستشاران نظامی ایران در سوریه، از لحاظ کمی و کیفی	ایران با هدف حفظ بقای دولت سوریه، وارد بحران داخلی این کشور شده و در راستای حمایت همه جانبه، مستشاران نظامی خود را به صورت وسیعی به آن گسیل داشته که هدف از آن، افزایش امنیت ملی ایران بوده است.
محمودی کیا	۱۴۰۲	تبیین تأثیر شکندگی دولت سوریه بر امنیت داخلی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران	شناخت شکندگی دولت سوریه و تهدیدات امنیتی فراروی ایران.	ایران برای جلوگیری از سرریزی تهدیدات شکندگی دولت سوریه به دو محیط داخلی و منطقه‌ای خویش علاوه بر متحد شدن با قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند روسیه به تقویت محور مقاومت به عنوان بازوی نیابت خویش در منطقه و تلاش برای حفظ دولت اسد بر مسند قدرت با حضور نظامی خود در سوریه، جهت ایجاد توازن تهدید پراخته است.
صادقی و لطفی	۱۳۹۴	تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه	شناخت مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه	شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و بنیادگرایان تکفیری- سلفی از جمله جبهه النصره، آحرار شام و داعش که در فعالیتی همسو با یکدیگر علیه منافع ملت سوریه، این کشور را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده اند، جمهوری اسلامی ایران را در موقعیتی قرار داد که با دقت و تیزبینی خاصی تحولات این کشور و منطقه را رصد نموده و در این جدال ژئوپلیتیکی، از منافع دولت و ملت سوریه حمایت نماید.

تفاوت این پژوهش با سایر پژوهش‌های انجام شده در این است که در پژوهش حاضر با

بهره‌گیری از یک چارچوبی توصیفی و تحلیلی در صدد پاسخ به این سؤال هست که منافع ملی ایران در سوریه چیست؟ در این پژوهش، مناسب‌ترین نظریه‌هایی که قابلیت تبیین اتحاد پیچیده و راهبردی میان ایران و سوریه داشته‌اند، شناسایی شده و در میان آنها از نظریه نئورئالیسم استفن والت و جک اسنایدر برای تبیین منافع ملی ایران در سوریه بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در بین نظریات موجود در روابط بین‌الملل، بهترین مدل تبیینی برای بررسی منافع راهبردی ایران در سوریه، نظریه نئورئالیسم استفن والت و جک اسنایدر می‌باشد، که با در نظر گرفتن همه ابعاد جامع و کامل نظریه نئورئالیسم به تبیین منافع ملی ایران در سوریه پرداخته است، اما در سایر تحقیقات و در مقالات اشاره شده با این جامعیت به موضوع اشاره نشده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و نوع پژوهش کاربردی است. و از ترکیب دو نظریه رئالیسم تدافعی استفان والت و جک اسنایدر جهت تبیین موضوع استفاده شده است.

نوآوری پژوهش

نوآوری این پژوهش این است که با این روش به موضوع منافع ملی ایران در سوریه در قالب نظریه رئالیسم تدافعی، استفان والت و جک اسنایدر و بیان شاخص‌های جمع بین این دو نظریه به موضوع منافع ملی ایران در سوریه پرداخته نشده است. لذا این پژوهش با استفاده از چارچوب نظری نئورئالیسم، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در سوریه را به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار داده و راهبردهای سلبی و ایجابی فراروی جمهوری اسلامی به منظور نقش آفرینی در تحولات منطقه‌ای را مورد واکاوی قرار داده و مؤلفه‌های بنیادین، تدوین راهبرد نوین در منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در سوریه را تبیین می‌کند. بنابر این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌های انجام شده جدید و ابتکاری است.

۳- چارچوب نظری (مبانی نظری)

نظریه نو واقع‌گرایی

رویکرد نوواقع‌گرایی با توجه به ساختار دائماً کشمکش‌زا و بحران‌آمیز نظام امنیتی خاورمیانه و در اولویت بودن شکل سنتی امنیت در این منطقه و همچنین با توجه به اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سوریه، دو بازیگر اصلی موضوع پژوهش حاضر به حساب می‌آیند، رویکرد نوواقع‌گرایی برای تبیین پدیده‌های این منطقه نسبت به دیگر نظریه‌های روابط

بین الملل، مناسب به نظر می‌رسد. (اخوان کاظمی، مشتاقی، ۱۳۹۱، ص. ۵۲) یکی از نظریاتی که می‌تواند تا حدودی منافع ملی ج.ا.ایران را در قبال سوریه در دوران ورود داعش تبیین نماید، نظریه استفان والت و نظریه جک اسنایدر است. «استفان والت» و «جک اسنایدر» از مهم‌ترین نظریه‌پردازان واقع‌گرای تدافعی محسوب می‌شوند (Walt, 1987).

مهم‌ترین گزاره‌های نظریه والت عبارتند از: ۱. دولت‌ها نه به قدرت بلکه به تهدید پاسخ می‌دهند. ۲. سطح تهدید، تحت تأثیر قدرت انبوه، نزدیکی جغرافیایی، توان تهاجمی و نیت تجاوزکارانه قرار دارد. ۳. پاسخ دولت‌ها به تهدید یا به شکل موازنه (شکل‌گیری اتحاد) و یا دنباله‌روی از دولت تهدید کننده است. ۴. ایدئولوژی یکسان، کمک‌های گسترده اقتصادی- نظامی و سطح بالای نفوذ ولای سیاسی، از عناصر مؤثر در شکل‌گیری اتحاد علیه دولت تهدیدگر است. نظریه موازنه قوا پیش‌بینی می‌کند دولت‌ها علیه قدرتمندترین دولت در نظام بین‌الملل متحد می‌شوند، اما نظریه موازنه تهدید پیش‌بینی می‌کند که آن‌ها علیه تهدید کننده‌ترین دولت متحد می‌شوند (Walt, 1987).

از دیدگاه والت «قدرت گرچه عنصر مهمی است اما همه آن نیست. دقیق‌تر این است که بگوییم دولت‌ها له یا علیه دولتی دست به ائتلاف می‌زنند که بزرگترین تهدید علیه آنان است. البته والت نظریه توازن قوا را نه غلط، بلکه ناقص می‌داند؛ زیرا قدرت تنها عامل یا حتی مهم‌ترین آن در شکل‌گیری موازنه نبوده، بلکه یکی از عوامل مؤثر آن است. سطح تهدید، تحت تأثیر قدرت انبوه، نزدیکی جغرافیائی، توان تهاجمی و نیت تجاوزکارانه قرار دارد. (Walt, 1987).

والت در ابتدای کتاب «ریشه‌های اتحادها» این سؤال را مطرح می‌کند که کشورها در مقابل کدام تهدیدات در پی کسب حمایت دولت دیگر برخواهند آمد؟ (Walt, 1987) این سؤال را این‌گونه نیز می‌توان طرح نمود که وجود چه عناصری نشانه تهدیدگری یک دولت است؟ والت در پاسخ به این سؤال چهار منبع تهدید را به شرح زیر برمی‌شمرد (Walt, 1990) قدرت انبوه: به معنی منابع کلی یک دولت و شامل جمعیت، قابلیت‌های صنعتی- نظامی و توانمندی تکنولوژیک است. هر چه قدرت انبوه یک کشور بیشتر باشد، میزان تهدیدی که متوجه سایر دولت‌ها می‌کند، نیز بیشتر است (Walt, 1985).

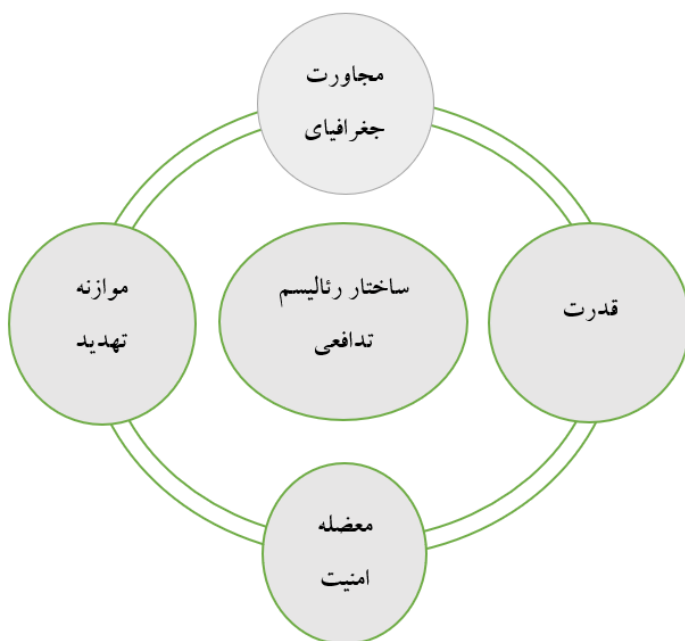
نزدیکی جغرافیایی: به فاصله سرزمینی موجود بین رقبای بالقوه گفته می‌شود. هر چه فاصله بیشتر باشد، توان اعمال قدرت محدودتر و در نتیجه، تهدید بالقوه نیز محدودتر خواهد بود. (Walt, 1987). به عبارتی، والت ظرفیت تهدیدزایی را با فاصله جغرافیایی دولت تهدیدکننده مرتبط می‌داند. (Walt, 1990) قدرت تهاجمی: به معنی حد و اندازه قابلیت‌های تهاجمی است. به هر میزان که قدرت تهاجمی بیشتر باشد، سطح تهدید یک دولت افزایش می‌یابد. قدرت تهاجمی ارتباط نزدیکی با قدرت انبوه و

نزدیکی جغرافیایی دارد. (Walt, 19904)

-نظریه جک اسنایدر

از جمله انتقادات به واقع‌گرایان تدافعی این است که نمی‌تواند دولت‌های تجدید نظر طلب را توضیح دهد و اینکه آنچه که دولت‌ها باید از نظام بین‌الملل یاد بگیرند با آنچه عملاً یاد می‌گیرند در هم می‌آمیزد (پوستین چی، متقی، ۱۴۰۰، ص. ۱۰۳)

شکل شماره ۲: چارچوب نظری پژوهش: رئالیسم تدافعی



طبق شکل شماره ۱ در ساختار نو واقع‌گرایی قدرت در مرکز شکل دایره قرار می‌گیرد

و عناصر امنیت و موازنه تهدید و قدرت و مجاورت جغرافیایی در اطراف ساختار نو واقع‌گرایی قرار می‌گیرند که نو واقع‌گرایان، با تکیه بر روش‌های علمی، در صدد تبیین روابط بین الملل هستند. همچنین بر قابلیت‌های نابرابر دولت‌ها و ساختار آنارشیستی سیستم دولت اشاره داشته و به مطالعه روابط قدرت‌های بزرگ می‌پردازند و معتقدند که این روابط مهمترین پیامدها و نتایج را برای سیاست، نئو رئالیست‌ها معتقدند که در نظام بین الملل یک فشار سیستماتیک وجود دارد که این فشار سیستماتیک باعث می‌شود که تمامی دولت‌ها با تمام ویژگی‌ها و توانایی‌ها که دارند، همگی تحت تأثیر این فشار سیستماتیک قرار گیرند. و باعث شود که در یک مسیر که همان منافع و امنیت ملی است حرکت کنند نظریه پردازان نئو رئالیست: ۱- استفان والت، ۲- جک اسنایدر استفان والت و برخی از عناصر واقع‌گرایی کلاسیک و نو کلاسیک را به عنوان نقطه شروع تفکر خود بر می‌گزینند. و بر خلاف مورگنتا که به ماهیت انسان توجه دارد و از اخلاق سیاسی پرهیز می‌کند و در جستجوی تبیین علمی سیستم سیاست بین المللی است (قوام، ۱۳۸۴، ص. ۸۹).

حاصل جمع دو نظریه استفان والت و جک اسنایدر در قالب جدول به صورت مصداقی آورده شده و مؤلفه‌های آن لیست گردید و پژوهش بر اساسی دو نظریه و این شاخص‌ها و معیارها تبیین گردید. یعنی هم محور و مبنا تحلیل مشخص گردید و هم اینکه انسجام بیشتری به داده‌ها داده (Heshmat, 2015, p. 95)

جدول شماره ۳: مفروضه‌های نو واقع‌گرایی منافع ملی ایران در سوریه بر مبنای نظریات جک اسنایدر و استفان والت

ردیف	منافع ملی ایران در سوریه	مصداق
۱	مواضع ثابت و پایدار در قبال بحران سوریه	حمایت از دولت بشار اسد
۲	حفظ محور مقاومت	جلوگیری از تغییر موازنه قدرت در منطقه
۳	حاکم نمودن الگوی حکومتی مطلوب	اسلام سیاسی امت‌گرا
۴	رویکرد تدافعی در سیاست خارجی	در بحران سیاسی رویکرد تدافعی نو واقع‌گرایی
۵	حمایت از راه حل سیاسی در حل بحران سوریه	مذاکره، میانجیگری، و مشاوره و مساعی جمیله
۶	احتمال جنگ قدرت‌های بزرگ	دکترین‌های نظامی

۷	همکاری و اتحادهای بین المللی	اولویت اتحاد سیاست خارجی
۸	اتحادها با همکاری بین المللی	دیپلماسی جنگ یا پیگیری سازگاری
۹	تئوری موازنه قدرت	تئوری انتقال قدرت
۱۰	تئوری ناهمسانی پویا	تئوری بالانس منافع
۱۱	تئوری بسیج داخلی	تئوری اهداف جنگ
۱۲	تئوری موازنه دفاع تهاجم	تئوری هژمونی در سیاست داخلی
۱۳	پیامدهای بین المللی و اسلوب رفتاری	تفاوتی میان کشورهای وجود ندارد
۱۴	ابزار نه به معنای هدف نهایی	ابزار و هدف نهایی جستجوی حداکثری قدرت
۱۵	جستجوی قدرت نهایی	قدرت
۱۶	منافع ملی حفظ موازنه قدرت	تبدیل شدن به قدرت هژمون

منبع: (Taliaferro, 2000: 136)

در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود که جمع دو نظریه استفان والت و جک اسنایدر در قالب جدول فوق مصادیق نظری آنها آورده شد و موضوع پژوهش بر اساس این چارچوب تبیین می‌شود. با توجه به واقعیات جاری در تحولات منطقه غرب آسیای امروزی، بررسی رفتار بازیگر دولتی جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه با تبیین رویکرد نظری نواقع گرایی و پاسخ به این سؤال که «منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در سوریه چیست؟ برای این کشور اهمیت خاص استراتژیک قائل است، و از اهداف اصلی این پژوهش به حساب می‌آید. درک پیامدهای منطقه‌ای حمایت ایران از سوریه در غرب آسیا و همچنین تبیین این مسئله که آیا رفتار ایران در بحران سوریه بر اساس اصول روابط بین الملل و نظام امنیتی خاورمیانه است یا خیر، از دیگر اهداف این تحقیق محسوب می‌شوند. پژوهش حاضر برای دست‌یابی به یک پاسخ جامع و کامل، به بررسی منافع ملی ج.ا.ایران در سوریه در چارچوب منافع ایدئولوژیکی، استراتژیکی، و اکونومیکی و ژئوپلیتیکی. در قالب نظریه نواقع گرایی می‌پردازد.

۴- منافع ایدئولوژیکی (همبستگی‌های منافع ملی و ایدئولوژی)

تأمین منافع ملی کشور، از اهداف و وظایف مهم سیاست خارجی است؛ در بررسی نحوه تعامل و تأثیر گذاری وظایف ایدئولوژیکی دولت اسلامی در قبال مقاومت اسلامی با منافع و امنیت ملی کشورمان و منافع ایران در سوریه، شناخت صحیح مفهوم منافع ملی و امنیت ملی، و چگونگی

تأمین آن در جهان کنونی نقش اساسی دارد. مهم‌ترین راهبردها در جهت حفظ همبستگی‌های منافع ملی و ایدئولوژی شامل ۱- حفظ موجودیت و هویت جامعه (۲) حفظ نظام (۳) ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و پاسداری از آن (۴) بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی (۵) وحدت و هم‌دلی همه اقشار ملت با یکدیگر (۶) پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت (۷) تحمل مشکلات و سختی‌ها (حفظ موجودیت و هویت جامعه).

منافع ایدئولوژیکی:

«هدف از تشکیل جمهوری اسلامی، حفظ منافع ملی، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، قدرت و امنیت ملی است... ایدئولوژی به دنبال تأمین و حفظ منافع ملی است و هویت ملت محسوب می‌شود (حسینی خامنه، ۱۳۹۷)»

منافع ملی، یک سلسله مصالح کلی که در سایه تحقق آن، زمینه برای دست‌یابی به آرمان‌ها فراهم می‌شود. در رئالیسم تدافعی دغدغه امنیت اساسی‌ترین مسئله است (خمینی، ۱۳۶۹، ص. ۵۵۰). تبیین واقعیت‌های منافع ملی، بیان‌کننده قواعد و اصول نسبتاً مشترکی برای تمامی واحدهای سیاسی است. قواعد و اصول مشترک سیاست خارجی به مفهوم آن است که اولاً منافع ملی، انعکاس قدرت سیاسی کشورها است، ثانیاً منافع ملی با شاخص‌های ایدئولوژیک هر کشوری تبیین و تفسیر می‌شود، ثالثاً منافع ملی ماهیت هنجاری دارد، رابعاً هر کشوری بدون توجه به موضوعات جانبی در راستای حداکثرسازی منافع ملی خود تصمیم‌گیری می‌کند، خامساً منافع ملی چراغ راهنمای تمامی کشورها محسوب می‌شود که باید به بقای سیاسی و امنیت ملی منجر شود. برخی به غلط سخن از لزوم جدایی منافع از ایدئولوژی به میان می‌آورند، درحالی‌که منافع ایدئولوژیک هیچ اشکالی ندارد و القای تقابل میان ایدئولوژی و منافع ملی صحیح و منطقی نیست. ارتباط خردمندان، هوشمندان، هدفمند و منطقی با جهان، برخاسته از نگاه اسلامی نظام و کاملاً منطبق با منافع ایدئولوژیک است. (اولیایی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۳۱)

هدف از تشکیل جمهوری اسلامی حفظ منافع ملی، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، قدرت و امنیت ملی است و ایدئولوژی به دنبال تأمین و حفظ منافع ملی است و هویت ملت محسوب است، «از نص صریح قرآن کریم استنتاج شده و به آیه نفی سبیل «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى آلِ الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (قرآن، ۱۳۸۷، ۱: ۱۴۱) مبنی بر نفی هرگونه سلطه کافران بر مسلمانان مستظهر است.

قدرت ایدئولوژیک صرف نظر از این که در زمینهٔ یک ایدئولوژی کلی، یک ایدئولوژی خاص یا حتی در جامعه‌ای باشد که ظاهراً هیچ ایدئولوژی خاصی در آن تفوق یا سلطه ندارد، قدرت تعیین حق و باطل، «خودی» و «بیگانه»، مقبول و نامقبول بدون اعمال اجبار فیزیکی است. پس هم در جوامعی که ایدئولوژی خاصی حاکم است و هم در جوامع فرضی غیر ایدئولوژیک و حتی در درون گروه‌های ایدئولوژیک در سطح پایین اجتماعی، قدرت ایدئولوژیک در اختیار اشخاص حقیقی یا نهادهایی است که می‌توانند هنجارها، باورها و ارزش‌های اجتماعی را تفسیر، تعدیل یا تقویت کنند (کریمی، ۱۳۶۹، ص. ۷۱). این نکته بویژه در جوامعی که یک ایدئولوژی رسمی مانند مذهب دولتی وجود دارد و نیز در برخی گروه‌های خاص ایدئولوژیک در جوامع مختلف آشکارتر است. حتی در جوامع مدرن غربی مانند آمریکا نیز می‌توان نمونه‌هایی از آن را دید: رسانه‌های گروهی و صنعت سرگرمی (از جمله تصمیم‌گیرندگان اجرایی) که با گزینش برخی اخبار و تصاویر خاص و ارائهٔ تصویری مثبت یا منفی از رویدادها و اشخاص، قدرت ایدئولوژیک خود را اعمال می‌کنند؛ یا افراد برجسته نظیر رئیس‌قبلی یا فعلی دولت یا اشخاص معروف مانند ستارگان سینما یا هنرمندان بزرگ که صرفاً با بیان نظر خود می‌توانند آرمان خاصی را عملاً دنبال کنند (وزیریان، ۱۴۰۰، ص. ۲۲).

۵- منافع ژئواکونومیکی

منافع اقتصادی

روابطه سوریه و ایران که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل قرار داشتن دو کشور در دو اردوگاه شرق و غرب سرد بود، با اتخاذ موضع ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی نظام جدید تهران، به سرعت بهبود یافت و سوریه به یکی از دوستان و متحدان منطقه‌ای ایران در قالب محور مقاومت بدل گشت. با این حال در تمامی این سال‌ها رویکرد ایدئولوژیک بر روابط دو کشور غلبه داشته و اقتصاد کمتر مورد توجه طرفین قرار گرفته است. (ساجدی، ۱۳۹۲، ص. ۷۲). دیپلماسی اقتصادی، استفاده از ابزارهای سیاست بین‌المللی برای به دست آوردن اهداف اقتصادی است پس از تبیین میزان مبادلات اقتصادی بین دو کشور منافع اقتصادی جمهوری اسلامی در سوریه بیان می‌شود (Collins, , p. 251) ۲۰۱۰.

با توجه به همگرایی عمیق ایران و سوریه در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی و حضور تمام‌قد ایران در سوریه در طی سال‌های جنگ داخلی در این کشور در لایه‌های امنیتی و دفاعی باید در نظر داشت که بر اساس آمار روابط اقتصادی ایران و سوریه بسیار با رقم مورد نظر فاصله دارد و

علل آن را باید در عواملی چون عدم شناخت بازرگانان ایرانی از نیازهای سوریه، ترس تجار و سرمایه‌گذاران ایرانی از ریسک پذیری در کشوری با شرایط امنیتی تا حدودی حساس و عدم اطلاع‌رسانی و آگاهی‌رسانی در خصوص پتانسیل‌های اقتصادی سوریه برای افزایش هم‌افزایی بیشتر تجاری با ایران ریشه‌یابی کرد. (طاهایی، ۱۳۸۸، ص. ۳۱).

مشارکت در پروژه‌های عظیم بازسازی سوریه

در بعد اقتصادی نابودی گسترده زیرساخت‌ها در سوریه را شاهد بودیم. برآوردهای متعددی از هزینه‌های بازسازی در سوریه ارائه شده است. به طور مثال بانک جهانی پیش‌بینی کرده است که حداقل ۲۲۶ میلیارد دلار لازم است تا سوریه به شرایط عادی بازگردد؛ اما عمده پیش‌بینی‌ها هزینه‌هایی بین ۲۰۰ تا ۳۵۰ میلیارد دلار را دربر می‌گیرد (Guse, 2010, p. 120). تهران برای توسعه بندر لاذقیه ساخت چندین نیروگاه و ایجاد سومین شبکه تلفن همراه با دمشق تفاهم‌نامه‌هایی امضا کرده است. ایران در تحقق پروژه‌های اقتصادی کندتر از روسیه عمل کرده است، اما همچنان به عنوان شریک تجاری اصلی و تأمین‌کننده فرآورده‌های نفتی تأثیرگذار است (Asseburg, 2020, p. 12). در دولت جدید رئیسی با توجه به سفرش به سوریه در اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ و امضا تفاهم‌نامه‌های اقتصادی به نظر می‌رسد سهم اقتصادی ایران در سوریه افزایش یابد. (خانبلوکی، ۱۳۹۱، ص. ۴۷)

حجم میزان تبادلات اقتصادی ایران و سوریه: صادرات به سوریه از ایران طی سال‌های

اخیر با کاهش چشمگیری روبرو بوده است که انتظار می‌رود با بهبود روابط اقتصادی و حل موانع موجود در راه صادرات به کشور سوریه نرخ صادرات به سوریه افزایش پیدا کند (Guse, 2010, p. 124). تجار برای تجارت با سوریه و صادرات به سوریه نیازمند آمارهای تجاری و اقتصادی از روند و میزان صادرات به سوریه و لیست کالاهای صادراتی به سوریه هستند، این آمار سبب کاهش ریسک تجاری و افزایش آگاهی از نیاز بازار سوریه. صادرات ایران به سوریه در ۵ ماه اول سال ۱۴۰۱ بر اساس آمار رسمی گمرک جمهوری اسلامی (Lujan, 2022, p. 154).

جدول شماره ۴: مقایسه قطعی کالاهای غیر نفتی (بدون احتساب نفت) و واردات کلی

ایران طی چهارماهه نخست سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰

آمار مقدماتی مقایسه‌ای صادرات قطعی کالاهای غیر نفتی (بدون احتساب نفت) و واردات کلی ایران طی چهارماهه نخست سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱

چهارماهه نخست سال ۱۴۰۱		چهارماهه نخست سال ۱۴۰۰		فعالیت
ارزش	وزن	ارزش	وزن	
میلیون دلار	میلیون تن	میلیون دلار	میلیون تن	
۱۷.۲	۳۵.۵	۱۴.۳	۳۸.۵	صادرات
۱۷.۲	۱۱.۲	۱۴.۵	۱۲.۵	واردات
۰	۲۴.۳	-۰.۲	۲۶	تراز تجاری
۳۴.۴	۲۴.۳	۲۸.۸	۵۱	مبادلات تجاری

منبع: رتبه جمهوری اسلامی ایران بر اساس پایگاه علمی گمرک جمهوری اسلامی ایران

۱۴۰۱/۰۴/۳۱

جدول شماره: ۵ مقایسه صادرات و واردات غیر نفتی ایران - سوریه در چهار ماهه نخست

سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۱

آمار مقدماتی مقایسه‌ای صادرات قطعی کالاهای غیر نفتی (بدون احتساب نفت) و واردات ایران-سوریه طی چهار ماهه نخست سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰					
فعالیت		چهار ماهه نخست سال ۱۴۰۱		چهار ماهه نخست سال ۱۴۰۰	
درصد میزان تغییرات نسبت به سال گذشته		وزن	ارزش	وزن	ارزش
		میلیون تن	میلیون دلار	میلیون تن	میلیون دلار
صادرات	۳۸	۲۲	۸۳.۲	۶۶	۲۰٪-
واردات	۱۱۷	۴۹	۶.۵	۱۰.۷	۱۸٪-
تراز تجاری	-۷۹	-۷	۷۶.۷	۵۵.۳	۳۸٪-
مبادلات تجاری	۱۵۵	۹۱	۸۹.۷	۷۶.۷	۴۲٪-

منبع: رتبه جمهوری اسلامی ایران بر اساس پایگاه علمی گمرک جمهوری اسلامی ایران

۱۴۰۱/۰۴/۳۱

جدول شماره: ۶ مقایسه صادرات غیر نفتی به سوریه در سال‌های ۱۴۰۱-۱۴۰۰

ارزش (دلار)	نام کشور	سال صادرات (از ایران)
۸۳.۲ میلیون دلار	سوریه	۱۴۰۱
۶۶ میلیون	سوریه	۱۴۰۰

منبع: رتبه جمهوری اسلامی ایران بر اساس پایگاه علمی گمرک جمهوری اسلامی ایران

۱۴۰۱/۱۲/۳۰

بر اساس آماری که گمرک جمهوری اسلامی ایران منتشر کرده است، میزان صادرات ایران به سوریه در ۴ ماهه اول سال ۱۴۰۱ بهارزش ۸۳.۲ میلیون دلار بوده است. که این آمار نسبت به سال

۱۴۰۰ در مدت مشابه که حدود ۶۶ میلیون دلار بوده. حدود ۲۶ درصد افزایش نسبت به سال گذشته داشته است.

کل صادرات ایران در ۴ ماهه سال ۱۴۰۱ به میزان ۱۷.۲ میلیارد دلار بوده است که صادرات به کشور سوریه در بین صادرات ایران به سایر کشورها در رتبه ۱۵ جدول صادرات ایران را دارا می‌باشد..

۶- منافع ژئوپلیتیکی: واقعیت‌های ژئوپلیتیک، در سوریه رویکرد ویژه‌ای برای

رویارویی با اختلافات و یا فرایندهای اختلاف آفرین داشته است.

این رویکرد را می‌توان به دودستهٔ رویکردهای سنتی و رویکردهای نوین دسته‌بندی کرد. (McMillan, 2011, p. 356). در رویکردهای سنتی، تصرف سرزمین، نظامی‌گری، بازدارندگی، استفاده ابزاری از اقوام و مذاهب و در رویکردهای نوین صلح‌آفرینی، پایداری اکولوژی، رویکرد انتقادی و ژئوپلیتیک مقاومت در دستور کار قرار دارد. که در فرایند حل و فصل اختلافات و منازعات از توان بالایی برای صلح‌آفرینی و آشتی همگانی برخوردارند. (Lujan, 2023, p. 140) رویکردهای ژئوپلیتیک صلح آفرین و غیر سنتی در مقیاس‌های (ملی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای) می‌تواند به حل و فصل منازعه سوریه بیانجامد رویکرد صلح جغرافیایی، ژئوپلیتیک مقاومت در حل و فصل منازعهٔ سوریه تأثیر بسزایی دارد (Asseburg, 2020, p. 129) موقعیت جغرافیایی سیاسی توان دستیابی به منافع ملی در سوریه را دارد. مکانیزم روابط جغرافیا و سیاست شرایطی را به وجود می‌آورد که مدیریت سیاسی فضاها و جغرافیایی را در درون کشور تسهیل کرده و وزن ژئوپلیتیکی همان فضای جغرافیایی - سیاسی را در سطح منطقه یا جهان تبیین می‌کند. از این رو عدم درک موقعیت جغرافیایی یک مکان و فضای جغرافیایی و مسائل آن از جمله نقاط ضعف و نقاط قوت، هزینه‌های سنگینی در بر منافع ملی تحمیل خواهد کرد که تأثیرات آن در قدرت ملی کشور و موقعیت (محمدی، ۱۳۹۱، ص. ۳۹). کشور در ساختار نظام جهانی آشکار می‌کند. ایران از جمله کشورهای جنوب غرب آسیاست که با دارا بودن ظرفیتهای ژئوپلیتیکی می‌تواند به عنوان تنها ابرقدرت منطقه ابراز وجود نماید. (Castro, Tores, 2021, p. 75) از این رو شناخت و بررسی عوامل تسهیل کننده در ارتقاء سطح قدرت ایران به عنوان هدف عملی در راستای اتخاذ سیاستهای صحیح و اصولی جهت نیل به

قدرت برتر منطقه آسیای جنوب غربی است (Salloukh, 2013, p. 66). شکل شماره ۲ مسیر کریدور مقاومت.

مسیر کریدور مقاومت (پژوهشکده تحقیقات راهبردی IISS)^۱



منبع: The diffusion of intra-Islamic violence and terrorism

<https://csr.ir/fa/news/1038/>

در شکل شماره ۲ کریدور محور مقاومت نشان داده شده که از مسیر زمینی تهران مدیترانه می‌تواند جدا از کارکرد نظامی و لجستیکی، کارکرد اقتصادی نیز پیدا کند. محور مقاومت باید به سمت همگرایی اقتصادی حرکت کند (Alvi, 2014, p. 140) پیوندهای اقتصادی می‌تواند نه تنها از تنش‌های منطقه‌ای بکاهد بلکه زمینه تعمیق پیوندهای کنشگران محور مقاومت را نیز فراهم کند. حرکت از ژئوپلیتیک به سمت ژئواکونومی توسط بازیگران محور مقاومت می‌تواند آنها را بازیگری قدرتمندتر و منعطف تبدیل کند و بر وزن ژئوپلیتیکی آنها را در معادلات آینده منطقه بیفزاید. برای نمونه هرچند سوریه بازار بزرگی نیست و حجم مراودات تجاری ایران و آن کشور پایین است اما اهمیت سوریه فقط به بازار داخلی آن محدود نیست و نباید به آن کشور فقط به چشم واردکننده نگاه کرد بلکه نکته مهم این است که هر کالا که در سوریه تولید نهایی شود قابلیت حضور در کشورهای اتحادیه عرب به ویژه جزیره العرب و شمال آفریقا، منطقه اوراسیا و نیز حوزه مدیترانه مانند یونان و... را دارد. (Malla, 2021, p. 50) همچنین حساسیتی که بر تجارت با

^۱ <https://csr.ir/fa/news/1038/>

ایران وجود دارد برای سوریه متصور نیست؛ بنابراین راهکاری برای عبور از تحریم‌های آمریکا محسوب می‌شود (متقی، رجبی، ۱۴۰۱، ص. ۵۳).

توسعه روابط روسیه و اسرائیل و وابستگی متقابل منافع در سطوح مختلف باعث شده است تا روسیه در پیشبرد منافع ایران در مسئله سوریه، برنامه هسته‌ای و توافق‌نامه‌های تسلیحاتی و اقتصادی محدودیت‌هایی را ایجاد کند (شفقت نیا آباد، جعفری، ۱۴۰۰، ص. ۲۲)

آمریکا، روسیه، ترکیه و ج.ا.ایران کنشگران اصلی در تحولات داخلی سوریه هستند که ترکیبی از اهداف مختلف ژئوپلیتیکی، استراتژیکی و ایدئولوژیکی را در سوریه دنبال می‌کنند. (سلطانی نژاد، ابراهیمی، نجفی، ۱۳۹۹، ص. ۶۵) رقابت‌ها و تضاد منافع قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای موجب تشدید و تداوم بحران سوریه و محرومیت مردم از حق تعیین سرنوشت خود شده است. در بین کنشگران، ایران تنها کشوری است که منافع ملی آن در سوری ویژگی ژانوسی داشته و همزمان متأثر از مولفه‌های واقع‌گرایانه و آرمانگرایانه یا انقلابی می‌باشد (اختیاری و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۱۲)

۷- منافع ژئواستراتژیکی: جمهوری اسلامی ایران خود را رهبر جناح مقاومت در برابر

آمریکا و اسرائیل می‌داند. از آنجا که سوریه یکی از حلقه‌های مهم جبهه مقاومت است، تغییر وضع موجود در این کشور یعنی تضعیف محور مذکور و به هم خوردن موازنه قوا به ضرر ایران، این امر مغایر با اهداف و منافع ملی و امنیتی ج.ا.ایران است. جمهوری اسلامی ایران، بزرگ‌ترین حامی سوریه محسوب می‌شود (خلیلیان، ۱۳۸۳، ص. ۹۰). روابط تهران با دمشق در طول تاریخ بر پایه منافع استراتژیک مشترک، از جمله خنثی کردن قدرت ایالات متحده و اسرائیل در خاورمیانه و همگرایی منطقه‌ای استوار است (جکسون، سورنسون، ۱۳۹۹، ص. ۲)

تعامل نزدیک دو کشور برای ایجاد موازنه در برابر دولت‌های معاند عرب نیز از دیگر عوامل روابط عمیق دو طرف بوده است. سوریه مزایای استراتژیک فراوانی برای ایران دارد که از میان آن‌ها می‌توان به مواردی چون استقرار سوریه به عنوان دروازه استراتژیک به سوی جهان عرب، سدی در برابر قدرت آمریکا و اسرائیل و شاید مهمتر از همه یک پل ارتباطی مهم برای دسترسی (Phillips, 2012, p. 12) به حزب‌الله لبنان اشاره کرد.)

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، مهم‌ترین و شاید تنها هم پیمان منطقه‌ای سوریه در خاورمیانه ایران است و برای آنکه بتواند خط مقدم مقاومت در مقابل اسرائیل را حفظ کرده و جنبش‌های مقاومت را تقویت و حمایت نماید به همراهی حکومت سوریه نیاز دارد به همین دلیل سرنگون شدن حکومت بشار اسد برخلاف مصالح ایدئولوژیکی حکومت ایران است. در واقع سقوط دولت سوریه نوک پیکان مقاومت ایران را به عقب خواهد کشید و موقعیت منطقه‌ای ایران را تضعیف خواهد کرد. به همین دلیل راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال مطالبات معارضان سوریه، تأکید بر بازگشت آرامش به این کشور، پشتیبانی قوی‌تر از دولت جدید بشار اسد و عدم مداخله خارجی است. زیرا ضرورت‌های سیاسی ایران در سوریه مبتنی بر حفظ منافع استراتژیک و تحت تأثیر اهمیت نقش این کشور در معادلات سیاسی امنیتی منطقه بویژه در حوزه روابط با حزب الله، حماس و همچنین روند صلح اعراب بارژیم صهیونیستی است. وضعیت پیچیده حاکم بر سوریه، نه تنها کاهش نیافته، بلکه باعث تحلیل قدرت تأثیرگذاری این کشور در مناسبات منطقه‌ای شده و با تشدید آن بر امنیت کشورهای منطقه‌ای هم پیمان خود تأثیر بسزایی گذاشته است. از منظر رئالیسم تدافعی، نقش آفرینی ایران در بحران سوریه و شکست داعش موجب حفظ موقعیت راهبردی و افزایش نفوذ منطقه‌ای، مقابله با گروه‌های شبه دولتی مخالف ایران در منطقه، حفظ محور مقاومت و شکل‌گیری الگوی همکاری بین ایران و سوریه شده که امنیت و نفوذ ایران را در منطقه افزایش داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایران سعی دارد با نفوذ بیشتر در منطقه و بهره‌گیری از سیاست اتحاد با سوریه، نخست امنیت ملی خویش و پس از آن، منافع ملی خود را تأمین نماید. اگر بخواهیم در تحلیل رفتار جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه دلایل حضور را اولویت‌بندی نماییم قطعاً بحث ایدئولوژیکی دینی جمهوری اسلامی از جمله حرم اهل بیت (ع)، محور مقاومت و هلال شیعی در اولویت‌های انتهایی قرار خواهد گرفت، زیرا در بحران سوریه امنیت مستقیم جمهوری اسلامی ایران و شریک راهبردی آن دچار چالش شده بود و نتیجه گرفته شده این است که رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سوریه کاملاً منطقی و واقع‌گرایانه بوده است.

تجزیه و تحلیل

از مجموع آنچه ذکر گردید باید به تهدیدات و چالش‌ها و فرصت‌ها و ظرفیت‌های همکاری

ایران و سوریه به عنوان دو متحد راهبردی لوجه نمود:

-تهدیدات و چالش‌های همکاری ایران و سوریه. مشکل عمده‌ای که در روابط ایران با سوریه وجود دارد آن است که بازارهای ایران و سوریه نیازسنجی و ظرفیت‌سنجی مناسبی از یکدیگر ندارند؛ به عبارت دیگر عدم شناخت مناسب سبب عدم شکل‌گیری همکاری اقتصادی و تجاری میان دو کشور شده است. در کنار این مانع، مشکلات دیگری نیز مانع توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با سوریه شده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- * مشکلات بانکی و موضوع جابه‌جایی پول بین ایران و سوریه.
- * موانع مربوط به مسیرهای ارتباطی جهت حمل‌ونقل جاده‌ای و دریایی و لجستیک آن.
- * نبود امنیت کامل در شهرهای مختلف سوریه.
- * آزاد نبودن رفت و آمد به این کشور برای تجار و سرمایه‌گذاران.
- * بوروکراسی پیچیده و عدم وجود نهاد تصمیم‌گیرنده و مسئول واحد در خصوص این کشور.
- * عدم اطلاع‌رسانی مناسب از فرصت‌های همکاری موجود میان دو کشور (مشیرزاده، ۱۳۸۶، ص. ۱۵۲)

-فرصت‌ها و ظرفیت‌های همکاری ایران و سوریه: بازارهایی مانند سوریه به دلیل همسانی و مشابهتی که با ظرفیت‌ها و توان تولیدی کشور ما دارند و همچنین به دلیل نزدیکی سیاسی و اجتماعی دو کشور راهبردی‌ترین ابزار در راستای توسعه اهداف بازرگانی و اقتصادی ایران به شمار می‌روند. (برزگر، ۱۳۸۷، ص. ۴۸). افزون بر این سوریه دروازه ورود به بازار گسترده‌ای از سرزمین‌های عربی است. (Collins, 2010, p. 70) وجه اشتراک این سه قدرت منطقه‌ای در فرایند بحران سوریه، تلاش برای حفظ یا ارائه الگوی نظم موردنظر خود در این کشور و افزایش نفوذ منطقه‌ای است و وجه افتراق آن‌ها را نیز باید در چگونگی نقش‌آفرینی آن‌ها در فرایند بحران و با توجه به حمایت ایران از مردم سوریه در برابر تجاوز تروریست‌ها و دشمنان مقاومت، ایرانی‌ها را برای بازسازی این کشور ارجح می‌داند؛ پیشنهادی که با استقبال مقامات جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو شد. (محمدی، ۱۳۹۱، ص. ۸). از آنجا که پیشنهاد ارائه شده در میانه بحران سوریه بود، اجرای آن با کمی تأخیر آغاز و همان سال کمیته‌ای تشکیل شد تا نسبت به نحوه سرمایه‌گذاری‌ها در سوریه و همچنین نیازها، ظرفیت‌ها و چگونگی توانمندسازی بخش خصوصی علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در این کشور، بررسی کارشناسی لازم را انجام دهد ((Helfont, 2009, p. 284 در دوران بازسازی نیز ایران آماده است با تقویت همکاری‌های همه‌جانبه اقتصادی در کنار سوریه باشد

(متقی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). این در حالی است که به گزارش خبرگزاری آناتولی، ترکیه در ۱۱۹ کشور دنیا پروژه‌های عمرانی و ساخت و ساز اجرا کرده است و ۸ درصد از تولید ناخالص داخلی ترکیه از محل درآمدهای انجام پروژه‌های خارجی تشکیل می‌شود (Akhavi, 1987, p.40). ترکیه همچنین دومین تولیدکننده مصالح ساختمانی در جهان است و حدود ۴۰ شرکت پیمانکاری ترکیه‌ای در زمره ۲۰۰ پیمانکار برتر جهان قرار دارند. ترکیه در ۴۰ سال گذشته ۳۴۰ میلیارد دلار در قالب ۹ هزار پروژه پیمانکاری در جهان انجام داده است اما ایران در همین دوره ۳۱ میلیارد دلار پروژه خارجی داشته است. (Simon, 2012, p. 87) اما این در حالی است که به رغم حضور موفق ایران در بزرگ‌ترین پروژه‌های عراق که توسط شرکت‌های پیمانکاری و مهندسی مشاوره ایران انجام، داده است، می‌شود گفت که ایران از بازار سوریه عقب مانده است (هدایتی، ۱۴۰۱، ص. ۵۲). جدول زیر منافع اسلامی، دفاعی، معطوف به نظام بین الملل و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در سوریه را طبق پژوهش حاضر تبیین می‌نماید.

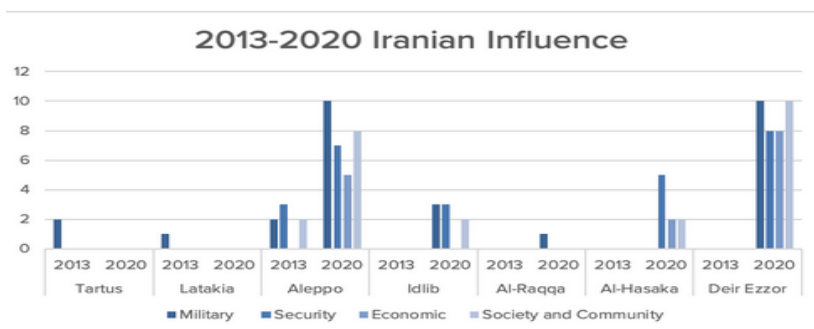
-راهبرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه

- ۱) به دنبال تأمین امنیت خود از طریق راهبرد دفاع روبه جلو، به این معنی که با دشمنان خود در کشورهای دیگر (مثلاً سوریه، عراق) می‌جنگد.
- ۲) حمایت از کشورهای مسلمان شیعه منطقه در مقابل زیاده خواهی‌های وهابیت منطقه و دیگر زیاده خواهی‌های بین المللی
- ۳) برای مبارزه با آمریکا و اسرائیل و رقبایی مانند عربستان سعودی
- ۴) حفاظت از میراث انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ و صدور آن در منطقه
- ۵) ایجاد متحدین منطقه‌ای به دلیل نداشتن کشورهای همسوی به علت تحریم‌های شدید بین المللی
- ۶) حفاظت از متحدین قدیمی در منطقه چون سوریه
- ۷) حفاظت از مسلمانان شیعه (ایران بک کشور با اکثریت شیعه است، اکثر کشورهای میانه ایالات‌های شرقی دارای حاکمان مسلمان سنی و اکثریت جمعیت سنی هستند) (کاظمی، ۱۳۹۱، ص. ۶۲)

گسترش پروژه‌های ایرانی در مناطق مختلف سوریه دارد. بیشتر فعالیت این مجمع بر پروژه‌های تولید برق تمرکز دارد. علاوه بر حضور نظامی در سال‌های اخیر حضور آموزشی خود را در کشور سوریه افزایش داده است به طوری که ۷ مرکز آموزشی فعال در سال ۲۰۲۰ در کشور

سوریه دارد. (Cordesman, 2008, p.160) در کنار این حضور جمهوری اسلامی در بحث پزشکی و کمک به مهار ویروس کرونا در سوریه، حوزه تأمین مواد غذایی و دیگر حوزه‌های تخصصی حضور دارد. (Ahmadian, 2012, p. 31)

نمودار شماره ۶: حضور نظامی جمهوری اسلامی ایران در استان‌های سوریه سال (۲۰۱۰-۲۰۲۲ م)



منبع: (The International Institution for Strategic Studies, 2016, p.312)

طبق جدول شماره ۵ که در موسسه شورای آتلانتیک ارائه شده، حضور صرف نظامی جمهوری اسلامی ایران در استان‌های سوریه سال ۲۰۱۳ در سال ۲۰۲۰ به فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی تغییر پیدا کرده است. همانطور که موسسه شورای آتلانتیک در سال ۲۰۲۰ به رویکرد اقتصادی جمهوری اسلامی نسبت به سوریه پس از بحران ۲۰۱۱ اشاره نمود در اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ سیدابراهیم رئیسی رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران پس از ۱۳ سال به کشور سوریه سفر نموده طبق گفته آقای جمشیدی معاون سیاسی رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران دو هدف مهم از این سفر را پیگیری می‌کند. ایشان معتقد هستند این سفر، سفر تاریخی و دارای دو بُعد اساسی راهبردی و اقتصادی است، راهبردی از این جهت که در یک دهه گذشته منطقه ما شاهد تحولات ژئوپلیتیک و بسیار پر تنش بوده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۵).

ایران در سده‌های گذشته سیاست خارجی خود را بر تقویت اتحادها و ائتلاف‌ها با کشورها و گروه‌های دوست در منطقه خاورمیانه متمرکز نموده است. (Bagheri, 2015, p. 156) البته ایران در ارتباط با کشورهای عربی خلیج فارس نیز کوشیده به نوعی اتحاد با آنها دست پیدا کند. از این رو جمهوری اسلامی ایران از تداوم دوستی با سوریه به دنبال افزایش امنیت خود در نظام بین

الملل است. از نگاه جمهوری اسلامی ایران امنیت به معنای نبود تهدید علیه ارزش‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی عدم احساس تهدید نسبت به آن‌ها می‌باشد. (Ingpraja, 2020, p. 54) حال به میزان اهمیت حوزه نفوذ ایران این جنبه برجستگی بیشتری پیدا می‌کند بحران سوریه حائز این برجستگی است (Brief, 2019, p. 132) ایران معتقد است با از دست دادن نفوذ خود در سوریه زمینه برای دیپلماسی فعال دیگر کشورهای منطقه به ویژه عربستان و ترکیه و افزایش نفوذ آنها را در منطقه فراهم خواهد کرد. تز اتحاد با دولت سوریه و حزب الله لبنان بیش از آنکه برپایی عنصر ایدئولوژیک استوار باشد ائتلاف راهبردی مبتنی بر رفع تهدیدهای امنیتی مشترک است. (موسوی، ۱۴۰۱، ص. ۴۴)

ائتلاف با سوریه و حزب الله می‌تواند تهدیدهای اسرائیل را رفع نماید. افزایش دامنه این اعتراف می‌تواند به افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در سطح منطقه برای تأمین منافع راهبردی اش منجر شود از این زاویه نیز حضور گسترده ایران در سوریه در چارچوب اهداف نو واقع‌گرایانه اما با روش‌های متفاوتی تعریف می‌شود تغییر حکومت در سوریه می‌تواند باعث فروپاشی اتحاد استراتژیک ایران و سوریه گردد.

جدول شماره: ۷ شاخص های منافع ملی ایران در سوریه بر اساس یافته های پژوهش

شرح منافع	منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در سوریه
<p>صدور انقلاب اسلامی جلوگیری از اشاعه گفتمان عربی-عبری-آمریکایی در منطقه غرب آسیا مقابله با استکبار جهانی آمریکا عدم مداخله در امور کشورها ایجاد صلح در منطقه حمایت از جنبش های آزادی بخش ایجاد امت واحده اسلامی در منطقه غرب آسیا حفظ محور مقاومت</p>	<p>منافع ایدئولوژیکی</p>
<p>جلوگیری از دست رفتن عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران جلوگیری از تسری جنگ های نیابتی به جمهوری اسلامی ایران (بحران تروریسم) حفظ تمامیت ارضی کشور</p>	<p>منافع ژئواستراتژیکی</p>
<p>تسلط بر بخش مرکزی جهان اسلام، مسیر انتقال انرژی ایران و عراق به اروپا و نهایتاً خاک ریز ایران در مقابله با اسرائیل رویکرد ژئوپلیتیک مقاومت جلوگیری از گسترش ناتو حفظ قدرت هژمونیک منطقه ای افول آمریکا در منطقه در پی شکست برنامه هایش در سوریه جلوگیری از برنامه های قدرت طلبانه عربستان در منطقه جلوگیری از بحران سازی رژیم صهیونیستی در قبال جمهوری اسلامی جلوگیری از تضعیف الگوی منطقه ای ترکیه برای جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>منافع ژئوپلیتیک</p>
<p>کریدورمقاومت (انتقال انرژی به اروپا، راه اندازی خط لوله گازی ایران-عراق و سوریه، صادرات کالا به اروپا و افزایش امنیت اقتصادی بین المللی) مشارکت در بازسازی سوریه</p>	<p>منافع زئواکونومیکی</p>

بر این اساس، جدول شماره ۶ مصادیق و شاخص‌های منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در سوریه شامل منافع ایدئولوژیکی، منافع ژئواستراتژیکی، منافع ژئوپلیتیکی، منافع ژئواکونومیک‌ی نشان داده شده و شرح هر کدام از منافع ملی ج.ا.ایران و تأمین آنها، نشان داده شده که فقط در مرزهای جغرافیایی آن محدود نمی‌شود. از این رو دولت‌ها به میزان هزینه‌هایی که در کشورهای دیگر مبدول می‌دارند، از توان و قدرت تصمیم‌گیری و تأثیر گذاری بیشتری نیز در آینده آن کشور و معادلات منطقه‌ای برخوردار هستند. در واقع حفظ موجودیت، استقلال و تمامیت ارضی و امنیت ملی کشور - که از عناصر کلیدی و حیاتی تشکیل دهنده منافع ملی است - نیازمند صرف هزینه‌ها و کمک به ملت‌هایی است که در خط اول مبارزه با دشمنان ما قرار دارند. واقعیت آن است که مردم مظلوم و مبارز سوریه از منافع و امنیت ملی ما نیز دفاع می‌کنند و ما کمترین وظیفه خود (تدارکات و پشتیبانی) را انجام می‌دهیم.

بحث و نتیجه‌گیری:

بدون تردید سوریه، از مهم‌ترین مناطقی است که تمرکز و توجه بسیاری از بازیگران بین‌المللی را به خود معطوف کرده است. موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، ذخایر عظیم انرژی، از مهم‌ترین عواملی است که باعث اهمیت مضاعف این منطقه شده است. از این رو، هر کدام از بازیگران و سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، برای توسعه نفوذ و حضور در سوریه به رقابت پرداخته و در صدد دستیابی به منافع و اهداف خاص خود در منطقه هستند. آمریکا به عنوان مهم‌ترین بازیگر فرامنطقه‌ای دخیل در معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی این منطقه همیشه مورد توجه دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است و اقدامات سیاسی این کشور و ابعاد متنوع و گستردگی آن بر نحوه شکل‌گیری و تغییر و تحول ساختارهای قدرت در این حوزه مؤثر بوده است. آمریکا در راهبردهای خاورمیانه‌ای خود اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدتی را دنبال می‌کند و توأمان از ابزارهای متنوع سخت و نرم برای تحقق این اهداف استفاده می‌کند. نظم جدید حاکم بر غرب آسیا مورد نظر آمریکا، مبتنی بر ایجاد توازن قوا و جلوگیری از ایجاد یک ابرقدرت منطقه‌ای است. به عبارت دیگر، آمریکا در تلاش است تا با کمک قدرت‌های منطقه به طور موازی از قدرت گرفتن بیش از حد یکی و تضعیف دیگری جلوگیری نماید و از این طریق اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود را در این منطقه دنبال کند. در این رهگذر، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران قدرتمند منطقه‌ای بیشترین نقش را در ایجاد نظم منطقه‌ای و شکل دهی به ساختارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی غرب آسیا دارد. از این رو، شایسته است سیاست‌های

راهبردی خویش را متناسب با ساختارهای قدرت در این منطقه و سیاست خارجی دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به خصوص آمریکا بازسازی نماید تا از این طریق هم از فرصت‌های به وجود آمده بهره برداری نماید و هم هزینه‌های احتمالی ناشی از قدرت بازیگری دیگر بازیگران را به حداقل ممکن برساند. ایران و سوریه را می‌توان دو متحد راهبردی در منطقه غرب آسیا نامید. به همین دلیل ج.ا.ایران در بحران داخلی سوریه رویکرد حفظ وضع موجود را دنبال می‌نماید. برای تحلیل این رویکرد در نظر گرفتن جهت‌گیری کلی حاکم بر سیاست خارجی ایران حائز اهمیت است. ایران منطبق با اصل ۱۵۲ قانون اساسی، سیاست خارجی خود را بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار نموده است. براین اساس مبارزه با آمریکا و اسرائیل و حمایت از گروه‌های مقاومت، در سیاست خارجی ایران نقش اساسی را ایفا می‌نماید. تبلور این امر در مدیریت بحران سوریه توسط ج.ا.ایران قابل مشاهده است.

با توجه به اهمیت سوریه در حلقه محور مقاومت و نقش مهم آن در حفظ موازنه قوا در خاورمیانه، راهبرد اصلی سیاست خارجی ج.ا.ایران مبتنی بر حفظ وضع موجود و حمایت از دولت قانونی مستقر می‌باشد. رغم کامیابی ج.ا.ایران در جلوگیری از سقوط نظام سیاسی سوریه در عرصه نظامی، تداوم دستاوردهای کشور در این رابطه نیازمند راهبردپردازی جامع و مبتنی بر ملاحظه نقش آفرینی سایر بازیگران دخیل در بازی سوریه است. قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در موقعیت مناسب استراتژیکی و دارا بودن منافع اقتصادی به همراه ایدئولوژی اسلامی باعث ایجاد چشم داشت کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ به این سرزمین شده است به همین علت جمهوری اسلامی در سیاست خارجی خود به دنبال دو هدف اصلی است (۱) حفظ تمامیت ارضی (۲) ائتلاف با کشورهای همسایه برای اشاعه اهداف خویش، کشور سوریه به دلایل بیان شده ایران در سوزیه دارای منافع مختلف اقتصادی، دفاعی-امنیتی و منطقه‌ای می‌باشد که این منافع حیاتی و مهم می‌باشند. واکنش جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه از دو بعد بر اساسی منافع ملی ایران در سوریه کشور شکل گرفت، که شامل موارد ذیل است. جمهوری اسلامی ایران تهدید بزرگی به نام داعش و گروه‌های تروریستی را که از شامات شروع به فعالیت نموده و به عراق رسیده و هدف اصلی خود را فتح ایران می‌دانستند در زمین سوریه و خارج از مرزهای خود دفع نمود تا بتواند امنیت داخلی و تمامیت ارضی خود را با کمترین آسیب حفظ نماید. سوریه همواره در طول تاریخ پس از

انقلاب اسلامی تنهاترین و موثرترین دولت عربی حامی و متحد تمام عیار و طراز اول جمهوری اسلامی ایران بوده است که از ابتدای انقلاب اسلامی به علت قرابت آرمانی همواره سعی بر حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران در تمام شرایط سخت و ناگوار از جمله هشت سال جنگ تحمیلی، دوران تحریمی و... نموده است. لذا حضور جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه برای حمایت از نظام حاکم این کشور یک واکنش کاملاً طبیعی یک کشور در قبال حفظ متحد طراز اول خود در مقابل تهدید سقوط بوده است. حضور ایران در سوریه ایجاد ژئوپلیتیک مقاومت، در قالب کشورهای ایران، سوریه، روسیه، عراق و لبنان است. بحران سوریه به رغم همه سختی‌ها و هزینه‌های مادی و معنوی که برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال داشته، دستاوردهای قابل توجهی را نیز همراه داشته است شامل وارد کردن خسارت قابل توجه مادی و معنوی به جبهه دشمن (تکفیری‌ها) جلب توجه و نظر گروه‌های اسلام‌گرای واقعی در منطقه، ضعف جایگاه و موقعیت دولت‌های عربی وابسته به غرب در منطقه و فراهم شدن زمینه‌های مناسب برای وحدت ایران، عراق، سوریه و لبنان به عنوان بخشی از دستاوردهای حضور ایران در سوریه است. حفاظت از محور مقاومت اسلامی، کاهش نفوذ امریکا و اسرائیل در منطقه، مشارکت فعال در تثبیت نظم‌های سیاسی - امنیتی خاورمیانه و سرانجام، دفاع از امنیت منافع ملی است. مهم‌ترین و شاید تنها هم پیمان منطقه‌ای سوریه در خاورمیانه ایران است و برای آنکه بتواند خط مقدم مقاومت در مقابل اسرائیل را حفظ کرده و جنبش‌های مقاومت را تقویت و حمایت نماید به همراهی حکومت سوریه نیاز دارد به همین دلیل سرنگون شدن حکومت بشاراسد برخلاف مصالح ایدئولوژیکی حکومت ایران است. در واقع سقوط دولت سوریه نوک پیکان مقاومت ایران را به عقب خواهد کشید و موقعیت منطقه‌ای ایران را تضعیف خواهد کرد. به همین دلیل راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال مطالبات معارضان سوریه، تاکید بر بازگشت آرامش به این کشور، پشتیبانی قوی‌تر از دولت جدید بشاراسد و عدم مداخله خارجی است. زیرا ضرورت‌های سیاسی ایران در سوریه مبتنی بر حفظ منافع استراتژیک و تحت تأثیر اهمیت نقش این کشور در معادلات سیاسی امنیتی منطقه بویژه در حوزه روابط با حزب اله، حماس و همچنین روند صلح اعراب بارزیم صهیونیستی است. لذا می‌توان گفت رفتار جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه یک واکنش کاملاً طبیعی در قبال منافع ملی و امنیت ملی این کشور است که هر کشور دیگری قطعاً در این شرایط بدین شکل رفتار خواهد نمود.

راهکارهای پیشنهادی:

- جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهمترین کشور شیعی، حاضر در غرب آسیا که رهبری محور مقاومت را بر عهده دارد، در سوریه پسا بحران می تواند در ابعاد مختلف نقش مهمی در سوریه ایفا کند که مهمترین راهبردها به شرح ذیل پیشنهاد می گردد:
- ۱- ضرورت مقابله با گروه های افراط گرا در سوریه.
 - ۲- تجدید ساختار ارتش سوریه بر اساس نیروهای مردمی در پی تقویت نیروهای دفاع ملی و نیروهای علوی و شیعی.
 - ۳- تلاش در جهت حفظ ژئوپلیتیک شیعه.
 - ۴- راهبرد پردازی جامع و مبتنی بر ملاحظات داخلی جامعه سوریه بر اساس علایق و خصایص فرهنگی، مذهبی و ژئوپلیتیکی و اقتصادی.
 - ۵- ممانعت از امنیتی شدن جمهوری اسلامی ایران از طریق اعتمادسازی و شفافیت در سیاست خارجی با به کارگیری دیپلماسی فعال و چندجانبه در سازمانها و سازوکارهای منطقه ای
 - ۶- اعتمادسازی جمعی از طریق ایجاد و افزایش اعتماد و اقبال کشورهای منطقه به سازمانها و سازوکارهای چندجانبه منطقه ای از طریق تعامل و هماهنگی با به کارگیری دیپلماسی شفاف و واقع گرایانه.
 - ۷- تعامل گسترده و عضویت در کلیه سازمانها و سازوکارهای چندجانبه منطقه ای از طریق اعتمادسازی و تعامل سازنده با کشورهای منطقه با استفاده از موقعیت (ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر)

فهرست منابع

۱. اختیاری امیری، رضا، دوست محمدی، حسین (۱۴۰۰). نقش قدرت های تاثیر گذار در بحران سوریه و تحلیل ژانوسی از منافع ملی ج. ا. ایران، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، ۶ (۲) صص ۲۲-۴۵.

۲. اخوان کاظمی، بهرام، مشتاقی، الله کرم (۱۳۹۱). بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، ۳(۱) صص ۵۸-۷۶.
۳. اولیایی، محمد، غفاری هشجین، زاهد، کشاورزشکری، عباس (۱۴۰۰). پیامدهای قدرت نرم عربستان سعودی، برای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱۱(۲)، صص ۱۳۵-۱۶۲.
۴. برزگر، کیهان (۱۳۸۷). عراق جدید و نظام سیاسی امنیتی خلیج فارس، تهران: دفتر گسترش تولید علم.
۵. زهره پوستین چی و ابراهیم متقی (۱۳۹۰). الگو و روند در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه مفید.
۶. صالحی، حمید (۱۳۹۱). بیداری اسلامی و تکوین نظم نوین منطقه‌ای در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۵(۲) صص ۲۸-۴۳.
۷. ساجدی، امیر (۱۳۹۲). بحران سوریه و دخالت قدرتهای بیگانه، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل (پژوهشنامه روابط بین الملل)، ۶(۲۴)، صص ۱۲۵-۱۵۵.
۸. طاهایی، سیدجواد (۱۳۸۸). خاورمیانه جدیدتر (چشم انداز وسیع روابط ایران و سوریه)، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی.
۹. سلطانی نژاد، احمد، ابراهیمی، نبی اله، نجفی، مصطفی (۱۳۹۹). منافع و ملاحظات قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱(۵) صص ۱۰۱-۱۳۰.
۱۰. سعیدی، ابراهیم (۱۳۷۴). کتاب سبز سوریه، وزارت امور خارجه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۱۱. سلیمی، حسین، شریعتی مجتبی (۱۳۹۳). منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تداوم و یا انقطاع حمایت از نظام کنونی سوریه، فصلنامه سیاست دفاعی، ۲۳(۱۰)، صص ۳۲-۵۵.
۱۲. شفقت نیا آباد، جواد، جعفری، علی اکبر (۱۴۰۰). آثار روابط روسیه و اسرائیل بر منافع ملی ایران (۱۹۹۰-۲۰۲۰) فصلنامه سیاست جهانی، ۱۰(۴)، صص ۷۱-۱۰۴.
۱۳. جکسون، رابرت و گترک سورنسون (۱۳۹۹). در آمدی بر روابط بین الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، تهران: انتشارات میزان.
۱۴. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت.

۱۵. حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۷). دیدار با مسئولان [سخنرانی در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت دولتی] ۱۳۹۷/۰۴/۲۴ [https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=2&year=1397]
۱۶. خمینی، سید روح الله (۱۳۶۹). صدور انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۷. خلیلیان، سیدخلیل (۱۳۸۳). حقوق بین المل اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. خانبلوکی، فرید (۱۳۹۱). اهداف آمریکا در بحران سوریه، فصلنامه پیام انقلاب، ۱۲(۵)، صص ۹۲-۱۱۲.
۱۹. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
۲۰. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۹). روابط بین الملل نظریه‌ها و رویکردها، تهران: سمت.
۲۱. صادقی، سید شمس الدین، لطفی، کامران (۱۳۹۴). تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، ۶(۱۵)، صص ۱۲۳-۱۴۵.
۲۲. عباسی، مجید، محمدی، وحید (۱۳۹۲). تبیین رئالیستی منازعه بین المللی قدرت در سوریه و پیامدهای آن برای امنیت جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، ۱(۲)، صص ۲۵-۵۱.
۲۳. قرآن، الهی قمش‌ای، مهدی (۱۳۸۷). تهران: فرهنگ و هنر.
۲۴. کریمی، سوده (۱۳۹۶). بررسی ابعاد حقوقی-سیاسی-اعتقادی حضور ایران در سوریه، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۶(۱۳)، صص ۸۰-۱۰۳.
۲۵. متقی، افشین، رجبی، سعید (۱۴۰۱). تبیین فرصت‌های ژئواکونومیک ج.ا. ایران در فضای پساجنگ سوریه، فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، ۵(۱)، صص ۲۰-۲.
۲۶. مرادی، جهانبخش (۱۳۹۸). بررسی علل حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در سوریه، فصلنامه مطالعات بین المللی، ۱۶(۳)، صص ۴۲-۶۶.
۲۷. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶). تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران: سمت.
۲۸. موسوی شفیعی، مسعود، زمردی انباجی، زهرا (۱۴۰۱). ژئوپلیتیک گاز و مداخله ترکیه در سوریه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶(۲۲)، صص ۱۲۰-۱۴۴.

۲۹. محمدی، مصطفی (۱۳۹۱). مثلث ایران، روسیه و چین در بحران سوریه، فصلنامه پیام انقلاب، ۱۰(۶)، صص ۹۱-۱۱۲.
۳۰. موسوی، سیدحسین (۱۳۹۰). «بیم و امیدها در بحران سوریه»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۸(۵)، صص ۳۱-۵۴.
۳۱. محمودی کیا، محمد (۱۴۰۲). منافع ملی و راهبرد مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، رویکردی تقابلی یا هم‌افزا؟ تهران: انتشارات دانش سیاسی.
۳۲. وزیریان، امیرحسین، شریعتی، شهرروز (۱۴۰۰). راهبرد دفاع آفندی در حضور برون مرزی ایران در عمان و سوریه، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل ۱۰(۱)، صص ۲۵-۴۸.
۳۳. هدایتی، مهدی، محمدرضا، لارتنی (۱۴۰۱). گفتمان امنیتی غرب آسیا از منظر اندیشکده‌های راهبردی روسیه، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۱(۵)، صص ۴۳-۶۷.
34. Alvi, H. (2014). The diffusion of intra-Islamic violence and terrorism: The impact of the proliferation of Salafi/Wahhabi ideologies. *Middle East Review of International Affairs (Online)*, 18(2), 38-59.
35. Ahmadian, G. & Daneshnia, F. & Karamian, K. (2012). Identity and Middle Eastern Foreign Policy of Iran and Turkey in Syria. *World Political Quarterly*, 5(4), 141-173
36. Asseburg, M. (2020). Reconstruction in Syria: challenges and policy options for the EU and its member states. https://www.swpberlin.org/publications/products/research_papers/2020RP11_ReconstructionSyria.pdf
37. Akhavi, S. (1987). "Iran: Implementation of an Islamic State" in: *Islam in*
38. *Asia: Religion, Politics and Society*, ed. John Esposito. New York: Oxford
39. University Press <https://doi.org/doi:10.22070/iws.2012.62>
40. Bagheri, H. (2015). Turkey's geopolitical dilemmas and the Syrian crisis. *Journal of Defense Policy*, 23(89), 177-208.
41. Castro, T. (2021). The importance of land corridors: Iran's race to the Mediterranean Sea. *conditions the development of nations. Science*, 215(6128), 411-425. <https://www.atalayar.com/en/articulo/politics/importance-land->

- corridors-ii-irans-race-mediterranean-sea/20210617142229151706.html
42. Cru Policy, B. (2019). The geopolitics of Syria's reconstruction: a case of matryoshka, Netherlands Institute of International Relations <https://doi.org/10.1017/S0022278X19000001> Strategic Survey for Israel 2012-2013_FULL.
 43. Cordesman, A. (2008). Iran's Support of the Hezbollah in Lebanon ,
 44. Center for Strategic and International Studies, Arleigh A. Burke Chair in Strategy. <http://www.csis.org/burke..>
 45. Collins, A. (2010). Contemporary Security Studies, New York: Oxford
 46. University Press. <https://doi.org/10.1017/9780199670840> doi: academic.oup.com/journals?login=false
 47. Helfont, S. (2009). The Muslim Brotherhood & The Emerging Shia Crescent. *Orbis*, 53(2):284- 299: 35-McLean, A. (2011). The Concise Oxford Dictionary of Politics ,
 48. New York, Oxford University Press. <http://doi.org/10.1093/acref/9780199670840.001.000>
 49. Ingpraja, A. (2020). Political Implications of Turkey –Qatar Gas Pipeline Construction on European Union Energy Security. *Journal of International Studies on Energy Affairs*, 1 (1), 43 –
 50. Guse, G. (2010). The International Relations Of The Persian Gulf. Cambridge: Cambridge University Press. <https://www.cambridge.org>.
 51. Lujan, H.)2023. (First-year medical students prefer multiple learning styles. *Adv Physiol Educ*. <https://doi.org/10.1152/advan.00045.2005>
 52. Malla, M. (2021). Madrasas and Extremism. In: Lukens-Bull R., Woodward M. (eds) *Handbook of Contemporary Islam and Muslim Lives*. Springer, Cham .https://doi.org/10.1007/978-3-319-73653-2_50-1
 53. Phillips, C. (2012). Into the Quagmire: Turkey' Frustrated Syria Policy. Middle East and North Africa Programme, Available at: www.chathamhouse.org/1212bp_phillips.pdf.

54. Simon, A. (2012). "Arming Syria's Rebels: The Strategic and Humanitarian Imperative", New atlanticist: policy and analysis blog 512(9561), 112-136.
55.)The International Institution for Strategic Studies (IISS) (2020). "The Military Balance 2016: Modernizing military capabilities; familiar security challenges". Retrieved from The International Institution for Strategic Studies(IISS) Website: <https://www.iiss.org/en/publications/military%20balance/issues/the-military-balance2016-d6c9>
56. Salloukh, B. (2013). The Arab uprisings and the Geopolitics of the Middle East. The International Spectator, 48 (2), 32- 46.
57. Taliaferro, J. (2000). Security Seeking under Anarchy:Defensive Realism Revisited. International Security, Vol. 25, No. 3, Winter 2000/01, pp. 128–161
58. Walt, S. (1987). The Origins of Alliances, Ithaca, NY: Cornell University Press. <https://www.cornellpress.cornell.edu/doi:/book/9780801494185/>
59. Walt, S. (1985). "Alliance Formation and the Balance of World Power", International Security,.9(.4)81-102.
60. Walt, S. (1990). The Origins of Alliances, Ithaca, NY: Cornell University Press.. <https://doi.org/doi:books.google.com/books/about>.